



## شناخت یادگیری اصولی دانش آموزان

سمیه احمدی<sup>۱</sup>، مریم سلطانی بناوندی<sup>۲</sup>، مجتبی بشارت<sup>۳</sup>، معصومه احمدزاده امامقلی<sup>۴</sup>

۱- کارشناسی روانشناسی عمومی، پیام نور

۲- کارشناسی گرافیک، دانشگاه شهید رجایی تهران

۳- کارشناسی مهندسی تکنولوژی مکانیک خودرو، دانشگاه غیرانتفاعی فراز

۴- کارشناسی حقوق، پیام نور

*S.ahmadi@gmail.com*

### چکیده

شناخت یادگیری اصولی دانش آموزان موضوعی است که به بررسی نحوه درک و پردازش اطلاعات توسط دانش آموزان می پردازد. این مفهوم اغلب شامل فهم نحوه تجزیه و تحلیل مطالب، اتصال اطلاعات به دانش قبلی، و توسعه مهارت های یادگیری مستمر است. به طور کلی، شناخت یادگیری اصولی به عنوان یک مؤلفه مهم در بهبود کارآمدی آموزش و یادگیری مطرح می شود. این شناخت شامل مفاهیمی نظیر انگیزش تحصیلی، استراتژی های یادگیری، نحوه مدیریت زمان، و توانایی حل مسائل است. افراد با شناخت یادگیری اصولی، معمولاً موفقیت در یادگیری را به ارتباط با ادراک و درک عمیق تر اطلاعات مربوط می دانند و به تدریج مهارت های فراگیری و تفکر کاربردی تر بدست می آورند. برای تربیت دانش آموزان با شناخت یادگیری اصولی، مدارس و مربیان می توانند از روش های تدریس فعال، تشویق به انعطاف پذیری در حل مسائل، و ترغیب به تفکر انتقادی بهره ببرند. ایجاد محیطی که افراد توانایی تحلیل، انتقاد، و ارتقاء دانش خود را تقویت کنند، نقش مهمی در توسعه شناخت یادگیری اصولی افراد دارد.

**کلمات کلیدی:** یادگیری، دانش آموزان، آموزش و پرورش



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱- مقدمه

شناخت یادگیری اصولی دانش‌آموزان به عنوان یک زمینه مهم در علم یادگیری و آموزش، به بررسی عمقی از نحوه درک و فهم اطلاعات توسط دانش‌آموزان می‌پردازد. این مفهوم نه تنها از جنبه‌های شناختی اطلاعات بلکه از جوانبی چون انگیزش تحصیلی، استراتژی‌های یادگیری، و مدیریت مهارت‌های زمانی نیز غنی می‌شود. در این نظر، مطالعه و درک یادگیری اصولی افراد می‌تواند به بهبود عملکرد و بهره‌وری آموزش و یادگیری کمک کند. در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف شناخت یادگیری اصولی پرداخته و نقش آن در توسعه مهارت‌های تفکری، حل مسائل، و تفکر انتقادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. همچنین، راهکارها و روش‌های موثر برای تربیت دانش‌آموزان با توجه به این شناخت مورد بررسی قرار می‌گیرد. با ارائه این مطالب، تلاش می‌کنیم تا تربیت فردی را که از شناخت یادگیری اصولی بهره‌مند است، ترویج کرده و به جامعه فردی با دانشجویانی مؤثر و مسلط کمک نماییم. در پیشرفت جوامع معاصر، اهمیت توانایی انعطاف و تفکر کاربردی در مقابله با چالش‌ها و پیشرفت شخصی و اجتماعی آشکارتر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. افرادی که با شناخت یادگیری اصولی آشنا هستند، معمولاً توانمندی‌های یادگیری خود را با تمرکز بر افزایش فهم عمیق و پایداری در اندیشه بهبود می‌بخشند. در این زمینه، مهم است که مدارس و مربیان با بهره‌گیری از روش‌های تدریس نوین و تشویق به مشارکت فعال دانش‌آموزان، زمینه‌های مختلف شناختی آنان را تقویت کنند. ترویج استراتژی‌های یادگیری مؤثر و تشویق به اندیشه منطقی و تحلیلی می‌تواند نقش به‌سزایی در ترقی سطح شناخت یادگیری اصولی دانش‌آموزان ایفا نماید. در این راستا، اهمیت ارتقاء مهارت‌های مدیریت زمان و حل مسائل نیز از جوانب دیگری است که باعث موفقیت فردی و تعامل اثربخش در جامعه می‌شود. بر این اساس، ترویج شناخت یادگیری اصولی به‌عنوان یک ابزار برای توسعه شخصیت و پیشرفت جامعه به نظر می‌رسد. در راستای بررسی شناخت یادگیری اصولی، مفاهیم اساسی این حوزه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. انگیزش تحصیلی: تحفیز و انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری و دستیابی به اهداف تحصیلی، از جمله جوانب اساسی شناخت یادگیری اصولی می‌باشد.
  ۲. استراتژی‌های یادگیری: توانایی انتخاب و به‌کارگیری راهبردهای مؤثر برای یادگیری، مانند خواندن فعال یا تدوین نقشه‌های ذهنی، جزء مهارت‌های اصلی در این حوزه است.
  ۳. تفکر انتقادی: توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات به‌طور منطقی و منظم، جهت افزایش درک عمیق و ارتقاء تفکر انتقادی دانش‌آموزان.
  ۴. مدیریت زمان: دانش‌آموزان با آگاهی از مفهوم مدیریت زمان، قادر به بهره‌وری بیشتر از وقت خود برای یادگیری خواهند بود.
  ۵. توانایی حل مسائل: ارتقاء مهارت در حل مسائل و مواجهه با چالش‌ها، جزء ابعاد مهم شناخت یادگیری اصولی محسوب می‌شود.
- این مفاهیم اساسی درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیرگذاری شناخت یادگیری اصولی بر کیفیت و موفقیت یادگیری فردی را فراهم می‌کنند. تعیین سوالات و اهداف تحقیق می‌تواند مبنا و راهنمای مطالعات در زمینه شناخت یادگیری اصولی باشد. برخی از سوالات و اهدافی که در این حوزه مطرح می‌شوند عبارتند از:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## سوالات تحقیقی:

۱. چگونه می‌توانیم شناخت یادگیری اصولی دانش‌آموزان را اندازه‌گیری و ارزیابی کنیم؟
۲. چه عواملی در ترویج شناخت یادگیری اصولی توسط معلمان مؤثر هستند؟
۳. چگونه می‌توانیم فرآیند یادگیری اصولی را در محیط آموزشی بهینه‌سازی کنیم؟
۴. چه تأثیری از تدریس شناختی بر بهبود توانمندی‌های یادگیری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارد؟
۵. چگونه می‌توانیم استراتژی‌های تدریس شناختی را در محیط‌های آموزشی مختلف اجرا کنیم؟

## اهداف تحقیق:

۱. بررسی تأثیر روش‌های تدریس شناختی بر شناخت یادگیری اصولی در دانش‌آموزان.
۲. ارزیابی میزان توانایی معلمان در انتقال و ترویج مفاهیم شناخت یادگیری اصولی به دانش‌آموزان.
۳. شناسایی عوامل مؤثر در توسعه شناخت یادگیری اصولی در محیط‌های آموزشی.
۴. ارائه راهکارها و استراتژی‌های عملی برای بهبود فرآیند یادگیری اصولی در مدارس.
۵. بررسی تأثیر مدیریت زمان و استفاده از استراتژی‌های یادگیری مؤثر بر ارتقاء شناخت یادگیری اصولی. روش

تدریس شناختی به فرآیند آموزشی می‌پردازد که از دیدگاه شناختی و فرآیندهای ذهنی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. در این رویکرد، توجه به فهم عمیق مفاهیم، ارتباط با دانش قبلی، و تشویق به انعطاف‌پذیری در حل مسائل از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از اصول و راهکارهای تدریس شناختی شامل:

۱. فعالیتهای مشارکتی: تشویق دانش‌آموزان به فعالیتهای مشارکتی مانند گفتگوها، گروه‌های کاری، و پروژه‌های گروهی که فرآیند تفکر و حل مسئله را تقویت کنند.
  ۲. تدوین نقشه‌های ذهنی: استفاده از تکنیک‌های تدوین نقشه‌های ذهنی برای نمایش و ارتباط مفاهیم، که به درک بهتر و یادگیری عمیق‌تر کمک می‌کند.
  ۳. استفاده از مثال‌ها و مطالب عملی: ارائه مثال‌های واقعی و مطالب کاربردی که با دانش قبلی دانش‌آموزان ارتباط داشته باشد، می‌تواند فرآیند یادگیری را تسهیل کند.
  ۴. تشویق به تفکر انتقادی: سوالاتی که تحلیل و ارزیابی را تشویق کنند و دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی و پرسشگری ترغیب نمایند.
  ۵. ارتباط با تجربیات دانش‌آموزان: ایجاد ارتباط بین مفاهیم آموخته شده و تجربیات واقعی دانش‌آموزان برای افزایش اهمیت و اثربخشی یادگیری.
- با این رویکرد، تدریس شناختی سعی دارد تا با بهره‌گیری از مکانیسم‌ها و عملکردهای شناختی، فرآیند یادگیری را تسهیل و بهبود بخشد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلمان با تأثیرگذاری بر روی فرآیند یادگیری دانش‌آموزان، نقش بسیار حیاتی در ارتقاء شناخت یادگیری اصولی دارند. برخی از نقش‌های کلیدی معلمان در این زمینه عبارتند از:

۱. طراحی و اجرای درس‌های تعاملی: معلمان می‌توانند با طراحی و اجرای درس‌های تعاملی و فعال، دانش‌آموزان را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب کنند و این امکان را فراهم سازند که شناخت یادگیری اصولی در آنان تقویت شود.

۲. ارتقاء مهارت‌های یادگیری: معلمان می‌توانند با ارتقاء مهارت‌های یادگیری دانش‌آموزان، به عنوان مثال تشویق به استفاده از استراتژی‌های یادگیری مؤثر، به شناخت یادگیری اصولی کمک کنند.

۳. ارتباط با دانش قبلی: با توجه به دانش قبلی دانش‌آموزان، معلمان می‌توانند ارتباط برقرار کنند و مطالب جدید را با دانش قبلی آنها ارتباط دهند، که این ارتباط به فهم عمیق‌تر و پایدارتر کمک می‌کند.

۴. تشویق به تفکر انتقادی: معلمان می‌توانند با ایجاد فضایی برای تفکر انتقادی و پرسشگری، دانش‌آموزان را ترغیب به تحلیل و ارزیابی اطلاعات کنند و شناخت یادگیری اصولی را تقویت نمایند.

۵. ارزیابی مستمر: ارزیابی مستمر عملکرد دانش‌آموزان و ارائه بازخورد سازنده می‌تواند به تعزیز فرآیند یادگیری و توسعه شناخت یادگیری اصولی کمک کند.

با ایفای این نقش‌ها، معلمان می‌توانند به‌طور مستقیم به تقویت شناخت یادگیری اصولی دانش‌آموزان بپردازند و محیطی آموزشی پویا و مؤثر ایجاد نمایند.

## نتیجه‌گیری:

شناخت یادگیری اصولی دانش‌آموزان موارد متنوعی از جمله توجه به جزئیات، افزایش تفکر انتقادی، و توانایی اعمال مفاهیم در زمینه‌های مختلف را نشان می‌دهد. این نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی کمک می‌کند بلکه به ارتقاء توانایی‌های مستمر یادگیری نیز کمک می‌کند. علاوه بر این، شناخت یادگیری اصولی باعث ارتقاء حل مسائل و توانایی انعطاف‌پذیری در مواجهه با چالش‌ها می‌شود. دانش‌آموزانی که اصول یادگیری را درک کرده‌اند، ممکن است بهترین راهبردها را برای موفقیت در مواقع مختلف ادراک کنند. این فرآیند نه تنها به دانش فردی آنها افزوده می‌شود بلکه به تقویت مهارت‌های اجتماعی و همکاری نیز کمک می‌کند، که این امور در دنیای امروز اهمیت بسیار دارند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## منابع:

- اسالوین، رابرت. (۱۹۹۱). جمع‌بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی. ترجمه فاطمه فقیهی قزوینی. فصلنامه تعلیم و تربیت، پیاپی ۲۰، ۱۱۱-۱۳۳.
- افضلی، لیال. (۱۳۸۹). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رفتار اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان اول ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- آقایاری، فریدون؛ کدیور، پروین و محمد میرزاخانی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی. فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، پیاپی ۱۰، ۱۱۱-۱۱۱.
- بهرنگی، محمدرضا و طیبه آقایاری. (۱۳۸۳). تحول ناشی از تدریس مشارکتی جیگساو در وضعیت سنتی تدریس دانش‌آموزان پایه پنجم. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، پیاپی ۱۰، ۲۱-۱۲.
- بروس، جویس؛ ویل، مارشا و امیلی کالهن. (۲۰۰۴). الگوهای تدریس. (ترجمه محمدرضا بهرنگی). تهران: نشر کمال تربیت.
- جهانگیری زنجانی، نسیم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر یادگیری همیاری در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه دوم ابتدایی شهرستان گرگان در سال تحصیلی ۸۳-۳۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.